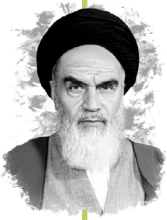


مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت -ارواحنا فداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. صحیفه امام (ره)، ج ۱۲ ص ۵۲۳-۹۲۳



گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معنا انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده الهیات هفته اول اسفند ۱۴۰۰ شماره هشتم

معجزه انقلاب

انقلاب اسلامی ایران احیاگر دین مبین اسلام



مقدمه سردبیر فاطمه الیاسی

بهمن ماه پنجاه و هفت، روزهای ماندگار و فراموش ناشدنی در تاریخ ملت بزرگ ایران است. روزهایی که روح خدا، خمینی کبیر، انقلابی در دل‌های مردم ایران آغاز کرد و با دم مسیحایی خویش، احیاگر نفوس رنجور و خسته از سال‌های طولانی ظلم، ستم و استعمار گردید. در نتیجه‌ی آن بهار پیروزی فرا رسید و انقلاب و دگرگونی به وسعت تاریخ به وقوع پیوست.

قدرت‌های بزرگ آن زمان حتی لحظه‌ای گمان نمی‌کردند چنین انقلاب و رویداد عظیمی محقق شود و تلاًکُ نور آن، مَهر پایانی بر صفحه‌ی ظلمت و استبدادی ۲۵۰۰ ساله باشد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران فجر و گشایشی در احیای ارزش‌ها و آرمان‌های فراموش شده دین مبین اسلام بود. همان دین و صراط مستقیمی که امام راحل در وصیت‌نامه سیاسی- الهی خویش تأکید کردند «مخالفان اسلام تلاش می‌کنند اسلام را از صحنه بیرون کنند تا منافع ابرقدرت‌ها تأمین شود». اما مردم و جوانان عزیز ما، با نصرت الهی و تمسک بر بشارت

«جاء الحق و زهق الباطل» و پیروی از رهبر فرزانه‌ای چون امام خمینی (ره) برای تحقق حاکمیت اسلامی و توحیدی و رهایی از حاکمیت طاغوت تلاش کردند.

انقلاب اصیل و عظیم ما بنا به فرموده‌ی امام عظیم الشان «جلوه‌ای از نهضت پر عظمت رسول اکرم (ص) است». همان نهضتی که مشخصه‌ی اصلی آن صیانت از اسلام و به ارمغان آوردن سعادت دنیا و آخرت برای پیروان آن است. پس از این پیروزی، انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک الگوی موفق، مسیر جدیدی را پیش روی امت‌های اسلامی قرار داد. حال در آستانه‌ی چهل و سومین سالگرد پیروزی انقلاب باید توجه داشت این پیروزی و دستاوردهای عظیم آن در عرصه‌های مختلف، امانتی است که امروزه در دست‌ها ما به ودیعت نهاده شده است. ما موظفیم با تمام توان این امانت و ودیعه الهی را حفظ کنیم تا در نهایت رسیدن به هدف تمدن نوین اسلامی و حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) محقق شود.



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
مدیر مسئول: محمدعلی شبانی سردبیر: فاطمه الیاسی ویراستار: فاطمه الیاسی صفحه‌آرایی: فاطمه پیلور خورشیدی
هیئت تحریریه: فاطمه الیاسی، جعفر افتخاری، مهسا بهرامی‌جم، فرشته وفائیان، ابوالفضل مجیدی، فاطمه پیلور خورشیدی



اسلام، تمدنی دیرپای

تبیین تمدن نوین اسلامی و ارکان آن

تمدن حالتی است که ملت‌ها در پرتو آن به سوی پیشرفت در حرکت هستند و سرمایه‌های مادی و معنوی خود را زیر سایه آن به دست می‌آورند و هر مکتبی در تلاش است تا عقاید و بنیان‌های فکری خود را گسترش دهد.

حال اسلام چگونه تمدنی است؟ اولین چیزی که بعد از شکل‌گیری یک تمدن به ذهن‌ها خطور می‌کند ایدئولوژی آن تمدن است. پیامبر (ص) با بهره‌گیری از قرآن و سنت در پی ایجاد تمدنی بود که با فرهنگ اسلامی مطابق باشد و آن را همانند سایر مکتب‌ها نشر و گسترش دهد. اسلام با



با انقلاب صورت می‌گیرد که در نهایت به تمدن اسلامی ختم می‌شود.

تقوای تمدن ساز

نکته‌ی قابل توجه این است که تمدن نوین اسلامی چگونه به حقیقت می‌رسد و مهم‌تر از آن، چه عواملی به دوام آن می‌انجامد؟ همان‌طور که پیش‌تر گفته شد ایمان و ایدئولوژی نخستین و مهم‌ترین عامل برای تحقق آن است. از سوی دیگر تقلید نکردن از تمدن غرب، سبک زندگی اسلامی، ایستادگی بر باورها، وحدت میان مردم، تعامل صحیح با دیگر مکاتب، همراهی دانش با عمل و پیوند تقوا با آن از مهم‌ترین عواملی است که در تحقق و دوام تمدن نوین اسلامی ضروری است.

اسلام، دینی برای جهان

دین اسلام با ساختارهای بنیادینی که بر پایه فرهنگ توحیدی دارد از جامعیت و غنی بودن سرشاری بهره‌مند است و در هر برهه از تاریخ، قادر به پاسخگویی کاملی به نیازهای مادی و معنوی و سوال‌های مردم در سطوح مختلف است. اسلامی که در زمان پیامبر (ص) توانست مرزها را جابه‌جا و فرهنگ‌ها را در لایه‌های مختلف جذب و هضم کند و فرهنگی مبتنی بر اصول قرآن و سنت را عرضه نماید امروز هم می‌تواند تمام جهانیان را به جامعیت خود در بیاورد و تمدن‌های باطل را زیر پا بگذارد و به تفکرهای نو از فرهنگ توحیدی اسلام بیندیشد که همین راز جاودانگی اسلام و تمدن اسلام در فراروی زمین است.

بنیان‌های فکری و اصولی که دارد در پی بصیرت بخشیدن به مقام والای انسانی و جلوگیری از انحطاط آن است تا با فراگیری عقاید ناب اسلامی به سعادت‌مندی مادی و معنوی و همچنین به هدف نهایی یعنی عبودیت خداوند متعال دست پیدا کند. تمدن اسلامی به جز پیروی از خدا و پیامبر (ص) محقق نمی‌شود. به این صورت می‌توان بیان کرد که ایمان به خدا و پیامبر (ص) عامل پیدایش تمدن اسلامی است.

ارکان تمایز بخش

بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری تمدن اسلامی از دو بخش ابزاری و حقیقی تشکیل می‌شود. بخش ابزاری ارزش‌هایی است که برای پیشرفت کشورها بیان می‌شود مانند سیاست، اقتصاد، علم و... که در بسیاری از کشورها قابل مشاهده است. اما، چیزی که تمدن اسلامی را با دیگر تمدن‌ها متمایز می‌کند بخش حقیقی آن است که شامل فرهنگ و سبک زندگی اسلامی است. سبک زندگی اسلامی، معنویت، معاد و پرهیز از مادی‌گرایی از اهمیت بسزایی برخوردار است. می‌توان گفت که ارکان یک تمدن اسلامی بخش حقیقی آن است و این ویژگی، تمدن اسلامی را در مقابل سایر تمدن‌ها قرار می‌دهد و همواره در طول تاریخ مشاهده‌گر نزاع تمدن اسلامی با تمدن‌های دیگر همچون تمدن غرب هستیم؛ چرا که اسکلت تمدن غرب به دنیاگرایی و منافع سودجویان ساخته شده که با فرامین اسلام مخالف است.

دستاورد ۴۳ ساله

مروری بر مهم ترین دستاوردهای معنوی انقلاب

انقلاب اسلامی ایران، که در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید تا به امروز دستاوردهای فراوانی را در حوزه‌های گوناگون برای ما به ارمغان آورده است. بسیاری از این دستاوردها، سبب تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها شده است. شاید بتوان دستاوردهای معنوی انقلاب را یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها به شمار آورد. چرا که به سبب این تحول معنوی، بسیاری از ارزش‌ها و اصولی که در دوران حکومت پهلوی در جامعه به حلقه مفقوده‌ای تبدیل شده بود برای بار دیگر در جامعه احیا گشت. مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام است. انقلاب اسلامی افتخارش این است که ارزش‌های اسلامی را، توحید را، احکام الهی را و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنیا معرفی می‌کند و موفق شد. علی‌رغم همه‌ی دشمنی‌ها ما موفق شدیم. انقلاب اسلامی روح غرور اسلامی را، روح افتخار و تفاخر به اسلام را در مسلمان‌ها زنده کرد».

در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از دستاوردهای معنوی انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم.

نفی حکومت طاغوت و تاسیس حکومت اسلامی

بر اساس آیه ۱۴۱ سوره نساء «و لن یجعلَ اللهُ للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» مسلمانان باید با حکومت طاغوت مبارزه کنند و این حکومت را شکست دهند. قبل از انقلاب و در زمان حکومت پهلوی کشورهای سلطه‌گر نفوذ زیادی در ایران داشتند. در آن روزها دخالت در بسیاری از امور و تصمیم‌گیری برای مردم و سرنویشت کشور از نگاه حکومت پهلوی امری طبیعی محسوب می‌شد. در حالی که این امر، منافی با عزت و استقلال و آزادی مردم بود. پس از انقلاب حاکمیت طاغوت و دیکتاتوری، به یک حکومت مردم‌سالاری دینی تبدیل شد و بدین گونه مردم ایران از آزادی و استقلال سیاسی برخوردار شدند. همان گونه که امام خمینی (ره) در این خصوص فرمودند: «امروز ایران اسلامی به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقصاء مختلفه حاصل شده

است، دست شرق و غرب و انگل‌های منحرف را از کشور خود کوتاه و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچکترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید». (بیانات در ۱۰/۲۵/۱۳۸۵)

مبارزه با ارزش‌های طاغوتی

در آن زمان حکومت پهلوی فرهنگ غرب را بر فرهنگ اسلام ترجیح می‌داد. روحیه تجمل‌گرایی، تمایل به امور دنیوی و مادی در بطن جامعه و در میان مردم رخنه کرده بود. حکومت وقت آن زمان تمام تلاش خود را می‌کرد تا جوانان به جای ارزش‌های اسلامی و دینی به سمت ارزش‌های مبتنی بر فرهنگ غرب متمایل شوند. آنها در راستای تحقق این هدف از هیچ راهی فروگذار نکردند. اما انقلاب اسلامی ایران با سلاح ایمان و معنویت تحول و دگرگونی در دل‌های جوانان ایجاد کرد. به گونه‌ای که مدتی بعد از پیروزی انقلاب و در زمان جنگ بسیاری از جوانان با تکیه بر همین مبانی اسلامی برای دفاع از وطن خود به پا خواستند و راهی جبهه‌های حق علیه باطل شدند.

ورود به مناسبت‌ها و امور مذهبی

حکومت آن زمان در تلاش بود بسیاری از امور و شعائر مذهبی در جامعه کمرنگ شود. روزهایی ماموران پهلوی چادر را از سر بانوان ایرانی برمی‌داشتند و افراد محجبه به ویژه در شهر از امنیت برخوردار نبودند، بسیاری از جوانان در مراکز فساد همچون قمارخانه‌ها گرفتار فساد و فحشا می‌شدند، بسیاری از فریضه‌های عبادی همچون نماز جماعت، نماز جمعه و... در جامعه برگزار نمی‌شد. افراد زیادی از نماز خواندن در دانشگاه‌ها و فضای عمومی جامعه دوری می‌کردند اما پس از انقلاب افزایش سه برابری مساجد نسبت به گذشته، تاسیس نود هزار هیئت، برگزاری قریب به هفتصد هزار جشن تکلیف در سراسر کشور، احیای پیاده‌روی اربعین، تدریس کتب دینی همچون معارف، علوم قرآن، فقه در مدارس و دانشگاه‌ها، جایگزینی فیلم‌های دینی به جای فیلم‌های مبتذل و... همگی نشان‌دهنده ایجاد یک تحول معنوی در جامعه است.

نگاهی مقایسه‌ای به قبل از انقلاب به خوبی نشان می‌دهد انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، در عرصه‌های گوناگون دستاوردهای بسیار ارزشمندی به دست آورده است اما دشمنان انقلاب، همواره در تلاشند تا بسیاری از این دستاوردها، را کتمان کنند. شناختن و شناساندن، حفظ و تداوم دستاوردهای مهم و اساسی انقلاب در چنین شرایطی وظیفه‌ای مهم و اساسی به شمار می‌رود.



ولایت فقیه بنیان جامعه

بررسی کارکرد و نقش آفرینی ولایت فقیه در جامعه

ولایت به معنی سرپرستی و صاحب اختیار بودن است و فقیه به معنای کسی که در علم فقه مجتهد و متخصص باشد. حال ترکیب این دو کلمه یعنی ولایت فقیه، به معنای حکومت فقیه عادل و دین‌شناس در جامعه است. با توجه به فقه مذهب تشیع در دوران پس از حیات پیامبر (ص) و غیبت کبری و مطابق با اصل پنجم قانون اساسی این تکلیف بر دوش فقیه جامع الشرایط است و مردم نیز موظفاند از دستورات وی در جهت تحقق اهداف الهی پیروی کنند.

پیامبران و امامان یکی پس از دیگری از عهده‌ی مسئولیتی عظیم، یعنی تحقق جامعه‌ای مبتنی بر دستورات اسلام به خوبی برآمدند. بعد از این بزرگواران، یکی از مراجع تقلید شیعه و نخستین رهبر و ولی فقیه جمهوری اسلامی ایران یعنی آیت الله سید روح الله موسوی خمینی بعد از رنج و سختی بسیار در مبارزه با طاغوت، انقلاب عظیمی را ایجاد کرد و جامعه‌ای اسلامی را بنا نهاد. بعد از ارتحال ایشان آیت الله سید علی خامنه‌ای به مقام معظم رهبری انتخاب شد. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی - ۱۳۸۳/۰۳/۱۴

اهمیت ولایت فقیه به عنوان اساس حکومت اسلامی

ولایت فقیه شالوده و اساس حکومت اسلامی است و ولی فقیه نقش رهبری سیاسی و دینی جامعه اسلامی را بر عهده دارد. مقام معظم رهبری نیز در خصوص نقش ولایت فقیه می‌فرماید: «نقش ولایت فقیه این است که در این مجموعه‌ی پیچیده و درهم تنیده‌ی تلاش‌های گوناگون، نباید حرکت نظام، انحراف از هدف‌ها و ارزش‌ها باشد؛ نباید به چپ و راست انحراف پیدا شود. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است.»

نمونه‌هایی از نقش آفرینی ولی فقیه در جامعه

قریب به نود درصد تداوم یک جامعه به ارزش‌های دینی آن بستگی دارد. اگر جامعه‌ای نتواند ارزش‌های دینی

خود را حفظ کند و تغییرات یک جامعه در تقابل با عقاید و ارزش‌های آن باشد دچار تعارض فرهنگی می‌شود، اما وجود یک رهبر، پیشوا و ولی فقیه از این آسیب‌ها جلوگیری می‌کند. ولی فقیه از فرهنگ جامعه خود در مقابل فرهنگ جوامع دیگر محافظت می‌کند و اگر موج یا خیزشی هم صورت گیرد آن را به سمت اسلام هدایت می‌کند تا در جهت تقویت جامعه اسلامی باشد.

یکی دیگر از وظایف مهم و نقش آفرینی ولایت فقیه تبیین وظایف و رسالت مسئولان است. نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره) که مبنای جمهوری اسلامی است، وظایف، شرایط و اختیاراتی را برای ولی فقیه اثبات می‌کند که بیشترین شباهت را با نظام امامت دارد و زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایط را آماده می‌کند تا ضامن منحرف نشدن سازمان‌های مختلف و مسئولان از وظایف اصلی و اسلامی خود باشد.

یکی دیگر از نقش آفرینی‌های موثر ولایت فقیه در جامعه، مبارزه علیه دشمنان و مقابله با استکبار و طاغوت است. هر دین و مذهبی با توجه به اصول و اعتقاداتش، دشمنان مختص خود را دارد. دین اسلام نیز چنین است حتی نسبت به دیگر ادیان در مضیقه بیشتری قرار دارد. زیرا کامل‌ترین و آخرین دین الهی است. به همین دلیل از زمان ظهور اسلام تا به الان دشمنان همچنان در حال تلاش برای انهدام و انحطاط آن هستند. اما به برکت وجود پیامبران و امامان در ۱۴۰۰ سال پیش و دیگر فقها در عصر حاضر، تا به امروز ذره‌ای از دین اسلام تحریف نشده است و همه‌ی آن‌ها برای این هدف تا پای جان با دشمنان مبارزه کردند.

همت مردم از شروط وصال به اهداف

تحقق همه‌ی اهداف و ایجاد یک جامعه اسلامی مطلق امر بسیار بزرگ و دشواری است چرا که یک جامعه پیوسته در معرض خطر و هجوم سخت و نرم دشمنان است. بر همین اساس برای تحقق اهداف در جامعه اسلامی، مردم نیز نقش پررنگی را ایفا می‌کنند، آن‌ها با الگو قرار دادن عروض اسلامی و با حمایت و جانب‌داری از ولایت فقیه می‌توانند به هدف اصلی خود برسند. ولایت فقیه به حل بخشی از مشکلاتی که در محور وظایفش قرار دارد می‌تواند بپردازد اما برای التیام تمام زخم‌ها و مشکلات جامعه تنها ولایت فقیه کافی نیست بلکه شرط لازم اجرای آن عزم و طلب همه مردم است. همان‌طور که انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به عنوان یک دگرگونی عظیم سیاسی-اجتماعی، با رهبری حضرت امام خمینی (ره) و رشادت مردم به سرانجام رسید.

سه روز با خدا

تاملی در باب فلسفه اعتکاف و آثار آن

اعتکاف در لغت به معنای گوشه نشین شدن برای عبادت است. در اصطلاح نیز به معنای ماندن حداقل سه روز در مسجد است. با توجه به آیه ۱۲۵ سوره بقره «وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» مشخص می‌شود که اعتکاف در زمان حضرت ابراهیم (ع) مرسوم بوده است. بعد از حضرت ابراهیم نیز در بعضی از شریعت‌ها و در زندگی بعضی از اولیای خدا مانند حضرت مریم و زکریا به چشم می‌خورد. پس از آن دین اسلام اعتکاف را در شکلی جدید و با شرایطی خاص مطرح کرد. اعتکاف به عنوان یکی از اعمال مستحب و مورد تأکید اسلام، فضیلت‌های بسیار زیادی دارد. اعتکاف فرصت بسیار مناسبی است تا انسان برای مدتی از علایق مادی و دنیوی خود دست بکشد و به راز و نیاز با خداوند متعال بپردازد.

فلسفه اعتکاف

اعتکاف عملی است مرکب از چند عبادت. معتکف در طول مدت اعتکاف از همه تعلقات دنیایی دل می‌برد و تمام وقت به عبادت می‌پردازد. او در این مدت از مسجد که خانه خداست به خانه خود و دیگران نمی‌رود، کلامی غیر از قرآن و دعا و نماز به زبان جاری نمی‌کند، در طول روز به خاطر او دست از خوردن و آشامیدن می‌کشد و به روزه‌داری قیام می‌کند.

امام علی (ع)

می‌فرماید: «کسی که

از مردم کناره گیرد، همدم

خداوند سبحان شود.» با توجه به آن که

روح تعالیم ادیان، دعوت به جمع و اجتماع است انسان به برنامه‌هایی که او را با درون خود پیوند دهد محتاج است و از آنجا که انسان به صورت پیوسته و دائمی در عرصه اجتماع و کار و تلاش عملی فعال است این موضوع رفته‌رفته باعث تقویت روحیه عمل‌گرایی در انسان‌ها می‌شود و پیدایش چنین روحیه‌ای انسان را از درون تهی می‌کند. اعتکاف زمینه مناسبی است تا انسان به کاوش در باطن خویش بپردازد. علاوه بر آن، زیاده‌روی در خوردن، آشامیدن، آمیختن با مردم، سخن گفتن و خوابیدن از چیزهایی است که باعث پراکندگی توجهات قلبی می‌گردد و انسان را به هر وادی می‌کشاند و از سیر الی الله باز می‌دارد، بنابراین اعتکاف فرصتی است برای اینکه تمام توجهمان را به خدا بسپاریم.

آثار اعتکاف

آثار اعتکاف را می‌توان از جهت‌های مختلف همچون آثار اخروی، دنیوی، فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. در ادامه، به نمونه‌هایی از این آثار در جنبه‌های گوناگون اشاره می‌شود.

آمزش گناهان: اگر انسان در طول مدت اعتکاف موفق به توبه شود و رضایت خدا را جلب کند به راحتی غفران الهی را برای خود کسب می‌نماید و خود را در صف نیکان جای می‌دهد.

نزدیکی به خدا: انسان در طول این سه روز اعتکاف به وسیله عبادت و توجهات قلبی که به خداوند دارد می‌تواند قرب الهی را نصیب خود گرداند.

انسان با معنویات: در پرتو اعمالی چون اعتکاف، کم‌کم ارتباط روانی بین انسان و مسجد، قرآن، نماز و ادعیه به وجود می‌آید. به نحوی که انسان مشتاق ارتباط با این امور می‌شود و دوری از آن‌ها برایش سخت می‌گردد.

تواضع و فروتنی: اگر انسان‌ها بتوانند در طول اعتکاف خود را در دایره بیکران هستی کوچک ببینند استکبار و غرور از آنان رخت برمی‌بندد و دیگر در مقابل هم نوع خود تکبر نمی‌ورزند بلکه فروتنی را پیشه خود خواهند ساخت.

قوی شدن اراده: یکی دیگر از آثار اعتکاف قوی شدن عزم و اراده آدمی است. زیرا در اعتکاف انسان‌ها بر خلاف خواسته‌های درونی و طبیعی خود، برای مدت معینی در محلی به عبادت می‌پردازند و از کارهای غیرعبادی دوری می‌کنند. در این حالت آنان خویشتن‌داری در برابر خواهش‌های نفسانی و دنیوی خویش را می‌آموزند.

آشنایی و برقراری ارتباط دوستانه با یکدیگر: حضور مؤمنان شهر در یک جا، فرصتی است که یکدیگر را بشناسند و ارتباط دوستانه پیدا کنند و از آثار اخوت اسلامی برخوردار شوند. همچنین بسیاری از افراد معتقدند گسترش مسائل معنوی باعث کاهش جرم و فساد در سطح جامعه می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت اعتکاف نیز در این حوزه نقش بسیار زیادی ایفا می‌کند.

در پایان و با توجه به تعابیر و فوایدی که از اعتکاف بیان شد باید توجه داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی خود گاهی از اطرافیان، مادیات و هر عملی که باعث سرگرمی او به امور دنیوی شود، درمانده می‌شوند. لذا اعتکاف فرصت خوبی برای دوری از دنیا و قرب به خداست.



اسلام؛ مبنای استوار برای علوم انسانی

مصاحبه با دکتر محمود نمازی در خصوص
اسلامی سازی علوم انسانی قبل و بعد از
انقلاب اسلامی

بارها گفته ایم و شنیده ایم که اسلام تنها راه کامل و یقین بخش برای سعادت بشر و سایر مخلوقات جهان است. بنابراین اسلامی که تنها راه سعادت شناخته می شود قطعاً دارای آموزه هایی است که مبنای صحیحی برای علوم مختلف باشند اما چگونگی اجرای این آموزه های اصیل اسلام در زمینه علوم انسانی بستگی به عوامل مختلفی دارد. در این مصاحبه با دکتر محمود نمازی عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) درباره مسئله علمی موسسه به علوم انسانی و به اسلامی سازی علوم انسانی در جامعه جهانی و ایران در بازه های زمانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی به گفت و گو پرداخته ایم.

پیش از انقلاب اسلامی، مسئله علمی سازی علوم انسانی تا چه حدودی مطرح بود و چه اقداماتی توسط چه کسانی در این زمینه انجام شده بود؟ آیا عموم مردم با این مفهوم آشنایی داشتند؟

جهت دهی به علوم مسئله ای است که پیش از اسلامی سازی نیز آن قدر با اهمیت بوده است که ابتدا یهودی سازی در آمریکا، سپس مسیحی سازی در اروپا و اندکی بعد بومی سازی در شرق و حدود شصت سال قبل اسلامی سازی در اندونزی مطرح می شود. در ایران نیز پس از انقلاب اسلامی، نخستین بار توسط رهبر انقلاب مطرح می شود. البته پیش از انقلاب عباراتی تحت عنوان دانشگاه اسلامی وجود داشته ولی بیشتر به جهت تداوم رژیم شاهنشاهی و راهبردی سیاسی برای کاهش قدرت روحانیت این عناوین مطرح بوده است.

به هر صورت، اسلامی سازی به معنی واقعی کلمه مربوط به بعد از انقلاب اسلامی است و با تعریف خاص از طرف رهبر معظم انقلاب و علامه مصباح - که تعریف مشخص و معینی برای آن دارند - مطرح می شود. در ایران اسلامی سازی به معنای واقعی را قبل از انقلاب نداشته ایم و حتی بعد از انقلاب اسلامی نیز با تشکیل شورای انقلاب فرهنگی پس از آنکه امام خمینی (رحمه الله علیه) در سال پنجاه و نه منشور انقلاب اسلامی را مطرح کردند، زمانی که بحث بازگشایی دانشگاهها مطرح شد ایشان فرمودند دستتان را به سمت حوزه ها دراز کنید. در این زمان بود که انقلاب

فرهنگی و اسلامی سازی علوم مطرح شد و مؤسسات عالی در این زمینه شکل گرفتند و شروع به فعالیت کردند. اکنون شاید تعداد این مؤسسات به دهها مورد برسد ولی هنوز هم یک تعریف جامع، عمیق و صحیح از سوی این مؤسسات یا ارگان هایی که به این مسئله می پردازند (حتی در شورای انقلاب فرهنگی) متناسب با نظر رهبری و آیت الله مصباح ارائه نشده است.

در پاسخ به سوال قبل هم اشاره کردید که کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، انقلاب فرهنگی رخ می دهد. به نظر شما جزئیات این رویداد چقدر صحیح صورت گرفته و اصل این اتفاق تا چه میزان در اسلامی سازی علوم انسانی موثر بوده است؟

به صورت کلی به پاسخ این سوال اشاره شد. به نظر می رسد که ما تا به حال نتوانسته ایم تعریف صحیحی از اسلامی سازی داشته باشیم و تصویر قابل درکی برای عموم مردم از این مفهوم ارائه دهیم. متأسفانه برخی این گونه تصویر کرده اند که اسلامی سازی علوم انسانی به معنای خالی کردن علوم انسانی از دستاوردهای سایر مکاتب علمی است. این تعریف اصلاً درست نیست و اسلامی سازی به هیچ وجه به این معنا نیست که علوم انسانی موجود کاملاً فاقد ارزش است! بلکه به این معناست که مبانی اندیشه ای این علوم و به طور خاص مبانی اندیشه ای معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، ارزش شناسی و روش شناسی با مبانی اندیشه ای اسلامی در تضاد و تعارض کامل است. به دلیل همین موضوع که تاکنون تعریف صحیحی از اسلامی سازی علوم ارائه نشده است، متأسفانه ما تاکنون در مواجهه با این مسئله، برخورد قابل درک و مشخصی چه در زمینه عموم مردم و چه در زمینه دانشگاهها نداشته ایم و نداریم.

پس از انقلاب اسلامی و در راستای تحقق هدف تحول در علوم انسانی، نهادهایی در کشور به صورت تخصصی در حوزه

اسلامی سازی علوم انسانی فعالیت می کنند. اقداماتی که توسط این نهادها صورت گرفته چقدر بر سایر سازمانها و نهادهای





اصولی کشور موثر بوده است؟ شما فعالیت این نهادها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در یک تعریف جامع می‌توانیم بگوییم علوم انسانی علمی هستند که به مطالعه، تفسیر، کشف قوانین کلی حاکم بر افعال و انفعالات انسانی (از آن جهت که انسانی‌اند) و نهادهای اجتماعی و ارزش‌های مربوط به آنها می‌پردازند. با در نظر گرفتن این تعریف، کار عمیقی با توجه به مبانی اصیل اسلامی در زمینه علوم انسانی صورت نگرفته است. اگر اجازه دهید تاریخچه‌ای از جهت‌دهی به علوم انسانی در جهان عرض کنم تا بسیاری از چالش‌های بحث پاسخ داده شود.

اگر تبیین و تدوین علوم انسانی در غرب را (به طور رسمی) از کار آگوست کنت در نظر بگیریم - چون ایشان نخستین فردی است که علوم انسانی اجتماعی را تبیین می‌کند - اکنون بیش از ۱۷۰ سال است که پایه‌ی علوم انسانی غرب که توسط آگوست کنت بنیاد شد عمدتاً بر اساس تجربه، علوم تجربی و عقل تجربی است. این که مقام معظم رهبری از این مسئله تحت عنوان پیچ تاریخی یاد می‌کنند به دلیل این است که هنگامی که غرب شروع به تبیین علوم انسانی کرد، موفقیت‌هایش را در کشف علوم طبیعی، از راه تجربه داشت. چون دانشمندان غربی با عامل تجربه مسائلی مربوط به طبیعت را کشف کرده بودند، فکر کردند که با همان عاملی که موفق شده‌اند توسط آن کشفیات طبیعی چشمگیری مثل ستاره‌شناسی داشته باشند، با همان عامل نیز می‌توانند علوم انسانی را تبیین کنند.

در آن زمان عقل مستقل توسط کانت و دکارت و هیوم خرد شده بود و آنها با مبانی فلسفی که اتخاذ کرده بودند، چیزی برای عقل به عنوان درک‌کننده‌ی حقایق به‌طور مستقل باقی نگذاشته بودند. وحی و یا نقل معتبر را هم که از ابتدا نداشتند. فقط تورات و انجیلی را در اختیار داشتند که تحریف شده بود و به دلیل مخالفت‌های کژاندیشه‌ی اصحاب کلیسا با اندیشمندان علوم تجربی، اندک

اعتباری که در تورات و انجیل بود نیز از دست رفته بود. بنابراین زمانی که آگوست کنت فعالیت جدی خود را آغاز می‌کند، نقل معتبر و عقل مستقل در اختیار جامعه نیست لذا عامل شروع‌کننده و عامل موفقیت خود در تدوین علوم انسانی را همان عامل تجربی می‌دانند. با توجه به مطالبی که گفته شد ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم عاملی به غیر از علوم تجربی در علوم انسانی غربی که از حدود سال هزار و هشتصد و پنجاه تدوین یافته است، دخالت داشته باشد. اما ورود این اندیشه‌ها به ایران از زمانی رخ می‌دهد که دانشگاه تهران در سال هزار و سیصد و سیزده توسط مؤسسه‌ی تأسیس می‌شود که تحصیلات خود را در غرب گذرانده بودند و منابعی برای تدریس انتخاب می‌شود که ترجمه علوم انسانی غربی بودند.

فعالیت مستقلی در دانشگاه‌های ما مبنی بر منابع عقلی اسلامی و منابع نقل معتبر صورت نگرفته است. در عالم اسلام منابع کثیری از نقل معتبر موجود است مانند قرآن، روایات و دویست و چهل سال عصمت. اینها را هانری کربن در مصاحبه خود با علامه طباطبائی می‌گوید که شیعه تنها گروهی است که ارتباطش با آسمان قطع نشده است؛ هم قرآن مصون از خطا دارد و هم دویست و چهل سال عصمت بین آنهاست یعنی کسانی که گفتار و عمل آنها حجت است. ما در طول عمر حدوداً صد ساله‌ای که از تأسیس دانشگاه‌هایمان می‌گذرد، فعالیت مستقلی در زمینه علوم انسانی با تکیه بر مبانی اندیشه اسلامی و فلسفه قویم اسلامی که در اسلام متکی بر نقل معتبر است، نداشته‌ایم و نداریم. هدف امام از آن سخن که: «دست خود را به سمت حوزه‌ها دراز کنید...» این است که دانشی مستقل شکل بگیرد. پس از این که شورای انقلاب فرهنگی شکل می‌گیرد با مشورت‌های فراوان این امر بر دوش علامه مصباح قرار می‌گیرد و ایشان طرحی را تدوین می‌کنند که در این طرح واقعاً کار بسیار عمیق و جانانه‌ای انجام می‌گیرد. از هر رشته‌ای در علوم انسانی

(روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، علوم تربیتی و اقتصاد)

برجسته‌ترین اندیشمندان دانشگاهی انتخاب می‌شوند و هر روز یک گروه از آنها به قم می‌روند و با شاگردان درجه اول علامه مصباح مباحثه می‌کنند. نتیجه این مباحثات در ده جلد کتاب چاپ می‌شود با عنوان‌های درآمدی بر اقتصاد اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، علوم تربیتی اسلامی و علوم اجتماعی که همه این عناوین در دو جلد به چاپ رسیده است. این ده کتاب هنوز مرجعی برای کسانی است که می‌خواهند در زمینه

اسلامی‌سازی علوم انسانی فعالیت

کنند چون این کتاب‌ها حاصل

اندیشه علوم انسانی از

متبحرین دانشگاهی و

متبحرین حوزوی

است که

نظارت

علامه مصباح نیز بر آن صورت گرفته است. اما در ادامه کار این مشکل ایجاد می‌شود که نخست وزیر وقت آقای موسوی - که امروزه موقعیت سیاسی ایشان کاملاً مشخص است - از ادامه این جلسات ممانعت می‌کند و طرح علامه مصباح متوقف می‌شود. پس از این اتفاقات مؤسساتی مستقل پدید می‌آیند که در این زمینه فعالیت می‌کنند اما به دلیل اینکه افراد مشغول در این مؤسسات از اجتهاد حوزوی قویم و مبتنی بر اندیشه‌های قویم فلسفه اسلامی و آیات و روایات برخوردار نبوده‌اند، کار جدی قابل اعتنایی در زمینه اسلامی‌سازی توسط آنها صورت نگرفته است.

پس از آن آیت الله مصباح مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی را تأسیس کردند. در این مؤسسه طلبه‌ها علاوه بر دروس حوزوی که تا درجه اجتهاد تحصیل می‌کنند، باید در واحدهای دروس دانشگاهی نیز تحصیل کنند. یکی از کارهای قابل اعتنایی که در زمینه اسلامی‌سازی صورت گرفته، همین فعالیت علامه مصباح است و رساله‌هایی که توسط این دانش‌آموختگان تدوین شده است. این کارها را می‌توان به عنوان مقدماتی در نظر گرفت که مسیر صحیحی را برای تدوین علوم انسانی می‌سازد.

از زمانی که در غرب به تدوین علوم انسانی پرداختند سالهای

متوالی گذشت تا نتیجه حاصل شود. برای مثال در غرب

ثروت ملل را داریم از آدام اسمیت که تبدیل به قانون

اساسی برای جامعه کاپیتالیسم شد و توانست مبانی

اندیشه غرب را در ثروت ملل بگنجاند. برای نتیجه

گرفتن از این امر حدود دویست سال فعالیت

صورت گرفت؛ عرض من این است که از

زمانی که حوزه به طور رسمی در

زمینه اسلامی‌سازی علوم

انسانی شروع به فعالیت

کرده است چیزی

حدود کمتر از

چهل سال

می‌گذرد.

حوزه در

ابتدای

فعالیت

خود یک





مجله داشت اما الان بیش از یک مجله دارد که بسیاری از آنها پژوهشی هستند. اسلامی سازی یک فرآیند است که زمان زیادی می برد اما متناسب با زمانی که برای آن گذاشته شده است، زمینه بسیار خوبی ایجاد شده است. شاید تاکنون چیزی حدود بیست درصد از فرآیند اسلامی سازی انجام شده باشد اما به دلیل وسعت این فرآیند و ابعاد مختلف آن، می توان به جرئت گفت تاکنون کار ارزشمندی انجام گرفته است.

امروز ۴۳ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می گذرد و در دانشگاه های ما تعداد کثیری از کتابهای درسی مربوط به علوم انسانی، از منابع غربی مغایر با آموزه های اسلامی تأمین و ترجمه می شوند. چه فردی، سازمانی یا نهادی مشخصاً مسئول این خطاست؟

تاکنون توسط متولیان دانشگاه ها به ویژه وزارت علوم در استفاده از اندیشه های حوزه و در استفاده از منابع حوزوی بسیار کوتاهی شده است و دلیلش نیز این است که حضرت امام بیان فرموده اند فکر نکنید ما در مقابل غرب که به علوم انسانی پرداخته است دستمان خالی است؛ غرب زدگی است اگر اینگونه فکر کنیم. ما در حوزه علوم انسانی پژوهشات قابل توجه بی شماری داریم اما کوتاهی و بی مهری به حوزه ها در طول تمام این سال ها سبب شده است که کار اسلامی سازی علوم انسانی به عقب بیفتد و دانشگاه ها آن گونه که باید و شاید نتوانند به این مسئله بپردازند زیرا متولیان امر به کلی قائل به جایگاهی برای اسلام در علوم انسانی قائل نبوده اند.

برای آن که عینی تر به موضوع بپردازیم مثالی را عرض می کنم؛ یکی از مبانی علوم انسانی در غرب که عمری حدود هشتاد سال دارد و تأثیرات عمیقی بر علوم انسانی غرب گذاشت اگزستانسیالیسم است. من چهار سال است که در زمینه اگزستانسیالیسم کار می کنم؛ در این زمینه کتاب تدوین کرده ام و مقاله های متعدد نوشته ام. به طور بسیار خلاصه اگزستانسیالیسم می گوید اصالت با انسان است؛ اصلاً اگزستانسیالیسم یعنی وجودشناسی و منظورشان از وجودشناسی، وجود انسان است و به طور خاص اراده و آزادی انسان مدنظر آنهاست. آنها می گویند انسان یعنی آزادی و آزادی یعنی انسان و زمانی به حقیقت انسانی انسان دست می یابیم که به آزادی کامل انسان دست یابیم. در دیدگاه اگزستانسیالیسم آزادی کمال نهایی انسان است و این یعنی انسان مجوز هر کاری را دارد و هر عملی که از انسان سر بزند معتبر است.

اینجا خطای بزرگی رخ داده است. همانگونه که شهید مطهری و سایر اندیشمندان گفته اند ما نیز آزادی را برای انسان کمال می دانیم. در دیدگاه اسلام وجه کرامت انسان که او را متمایز از سایر موجودات می کند همین است که او اختیار و آزادی دارد اما این آزادی یک کمال ایزاری است نه کمال نهایی. آزادی صرفاً کمال ایزاری انسان است که به او کرامت می بخشد. کمال نهایی انسان در قرب خداوند است، هستی از آن خداست و انسان بنده خداست. این خطای اگزستانسیالیسم در بسیاری از علوم انسانی به گونه ای تأثیر گذاشته است که امروز شاخه هایی از علوم انسانی با جهت گیری از اگزستانسیالیسم به وجود آمده و فراگیر شده اند (مانند روان شناسی و روان درمانی اگزستانسیالیسم). انسانی که در دیدگاه اگزستانسیالیسم معرفی می شود تنها یک حیوان پیشرفته است حال آن که از نظر اندیشه اسلام انسان فراحیوان است چون اولاً دانش های فراحیوانی دارد؛ دانش ها و ادراکی که حیوانات دارای آنها نیستند انسان را از آنها متمایز می کند. و دوماً انسان گرایشات فراحیوانی دارد؛ درک خوبی مفاهیمی نظیر عدالت صرفاً به انسان تعلق دارد. سوماً انسان توانش های فراحیوانی دارد؛ توانایی ساخت و ابداع بسیاری از وسایل مربوط به انسان است. در تعریف انسان توسط اگزستانسیالیسم به عنوان یک حیوان پیشرفته، کمالی به این معنا که در اسلام مطرح است دیده نمی شود.

اگزستانسیالیست ها یک جریانی را شروع کرده و به اوج رسانده اند که در ایران نیز ردپای آن دیده می شود. بسیاری از کتاب های آنها در ایران ترجمه شده و متأسفانه بر اندیشمندان، هنرمندان و ادیبان ما تأثیر گذاشته است. در این زمینه می توان صادق هدایت را مثال زد که کتاب خودکشی را ترجمه کرده و خودکشی می کند.

پیشنهاد شما برای ارائه درک صحیح از آموزه های اسلام در زمینه های علوم مختلف به دانشجویان و عامه مردم چیست؟ چه رویکردی می تواند وجهی حقیقی علوم اسلامی را به مردم معرفی کند؟

باید آگاهی کامل از علوم انسانی غربی داشته باشیم و نسبت به مبانی اصلی اندیشه غربی در پنج زیرشاخه معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، ارزش شناسی و روش شناسی آگاهی کامل داشته باشیم؛ علاوه بر این باید مبانی اصلی اندیشه اسلامی را نیز از پنج جهتی که گفته شد، توسط منبعی صحیح با نقل معتبر و دانش قویم حوزوی بشناسیم تا این امر محقق شود.

در آخر نکته ای هست که بخواهید اضافه کنید؟

سال هشتاد و هشت در مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی کنفرانس علمی بسیار مهمی تحت عنوان مبانی فلسفی علوم انسانی برگزار شد که بنده دبیر این همایش بودم. حاصل این کنفرانس در قالب کتاب، مقاله، مجله و ویژه نامه موجود است؛ به نظرم مطالعه این منابع می تواند بسیار مفید باشد. من عمیقاً از زحمات شما و دوستان شما در دانشگاه علامه که تلاش می کنید نگاه درستی در بین جامعه علمی و بین مردم ایجاد کنید، تشکر می کنم و خواهش می کنم که به این پژوهش ها ادامه بدهید. منابعی که معرفی کردم می تواند هم برای فعالیت شما مفید باشد و هم توسط شما به جامعه بزرگ تری معرفی شود.